

هرچند که بسیاری از آنها به مرور زمان از بین رفته بودند). تعداد اندکی از ویتنامی‌ها شانس صحبت کردن با یک آمریکایی (مطمئناً بدون ترس) را داشتند و تعداد انگشت شماری از آنها با یک آمریکایی که تاجر یا نظامی نبوده، صحبت کرده بودند. بسیاری از آنها دربارهٔ شیوه زندگی من کنجکاو بودند. قبل از صحبت‌های تخصصی، من به عنوان فردی آمریکایی که از شیوه زندگی آنها تعجب نکرده بود (چه از کسانی که سوار دوچرخه می‌شدند و به دور و نزدیک سفر می‌کردند و یا کسانی که در هتل‌های ارزان اقامت می‌کردند و غذای گیاهی دکه‌های خیابانی را می‌خوردند) معرفی شده بودم.

اولین مرتبه‌ای که موسیقی تجربی آمریکایی به هنرجویان موسیقی و اساتید آن در هانوی (Hanoi)، هو (Hue) و سایگون (Saigon) معرفی شد، باعث ایجاد تحرك و جنبشی غیرقابل پیش‌بینی شد. قطعاً همچون «Inc» از رایلی (Reily) و «رهاشده» از رایش (Reich) مستمین را در بهت فرو برده بود و منتظر بودند تا از این نوع موسیقی‌رهایی یابند. موسیقی کامپیوتری خاص همچون یونیزاسیون اثر وارس (Varese) موجب خنده و استهزا آنها شد اما

«فیلیپ بلک برن» آهنگساز خواننده مرکز آهنگسازان مینه‌سوتا است که در دههٔ اخیر تسهیلاتی را برای ارتباط بین موزیسین‌های آمریکایی و ویتنامی (با تبادل CD و مجموعه مقالات) ایجاد نموده است. در همین راستا در سال ۱۹۹۶ همایشی از موزیسین‌های ویتنامی سراسر جهان در مینه‌سوتا به همت بلک برن انجام گرفت که CD این همایش به نام Stilling Time شامل مجموعه‌ای از برترین نمونه‌های موسیقی ویتنامی بود. مقاله حاضر به قلم وی پیرامون سفر او به ویتنام در دسامبر ۱۹۹۷ به تازگی در ایالات متحده انتشار یافته که ترجمهٔ آن را می‌خوانیم:

کنسول فرهنگی آسیا از ماموریت من که به مدت چهار ماه در ویتنام به عنوان اولین موسسه آمریکایی به نمایندگی از موسیقی دانان مینه‌سوتا برای برقراری ارتباط با همتایان ویتنامی انجام می‌شد، حمایت می‌کرد. از سوی این مرکز که در حقیقت یکی از شاخه‌های مهم وزارت فرهنگ بود امکان یک دسترسی بی‌سابقه به بیش از چهارصد آهنگساز، خواننده و محقق موسیقی به من داده شد. همچنین اجازه یافتم تا آزادانه مسافرت کنم و یک دسترسی قابل اهمیت به آرشیو تحقیقاتی موسیقی که بسیار وسیع بود، داشته باشم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

موسیقی در جهان

# نواهایی از ویتنام

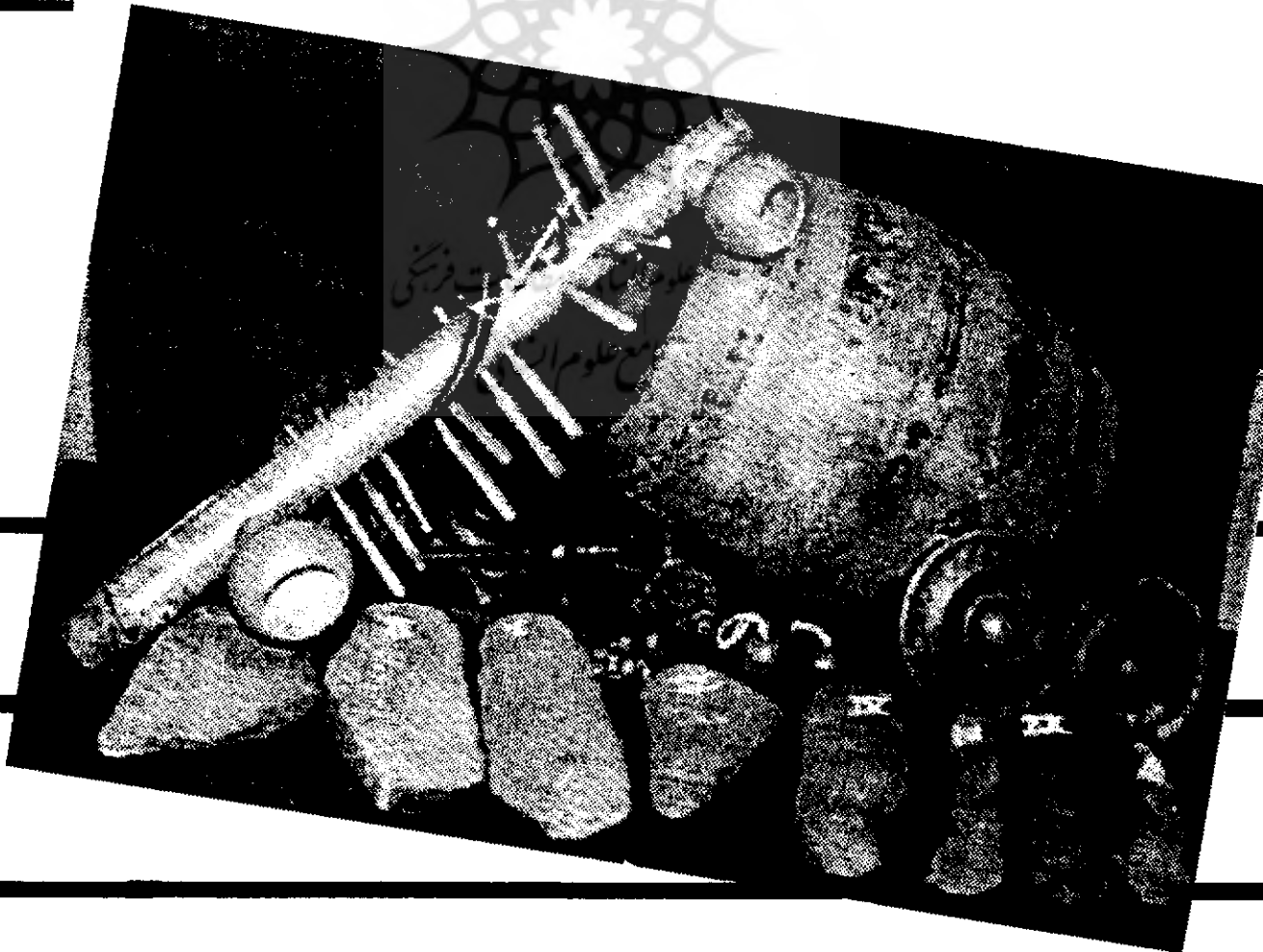
حرفه‌ای‌هایی همچون آرتا فرانکلین، بابی مک فرین، دیوید هایکس، لو هریون و آرون کاپلند همگی به نحوی سابقه‌ای مورد تشویق قرار گرفتند.

در انستیتو تحقیقاتی واقع در سایگون من پیشنهاد اجرای موسیقی با یک سنتور چوبی قدیمی ۶۰۰۰ ساله (Dan Da) را پذیرفتم. این وسیله از لحاظ قدمت در نوع خود دوم است (قدیمی‌ترین آنها در پاریس موجود است) و صدای آن همانند سالهای بسیار دور است. در هنگام نواختن چکش چوبی به روی سنتور سعی کردم تا طرز نواختن همانند نسل‌های قدیمی را حفظ کنم، گرچه نمی‌توانستم به عواقب دیپلماتیک شکسته شدن یکی از تخته‌های سنگی فکر نکنم. به هنگام مصاحبه با رادیو صدای ویتنام آماده شده بودم که به تفصیل درباره تجربه‌ام درباره موسیقی ویتنام صحبت کنم. اگرچه مصاحبه‌کننده از دیدگاه دیگری با من صحبت کرد و مرا به عنوان یک آهنگساز ۲۱ ساله، مجرد و دارای درجه دکترای معرفی کرد و یک گیتار معیوب به من داد تا با آن یکی از آهنگهایم را برای تمامی شنوندگان در سراسر کشور اجرا کنم. اما من گفتم مرا ببخشید ولی نمی‌توانم آهنگی را با گیتار اجرا کنم! یک اشتباه تأسف برانگیز از سوی من در

تلفظ لغات ویتنامی باعث شد تا من «صدای ادرار ویتنام» را به جای عبارت «رادیو صدای ویتنام» به کار بردم و پس از آن سؤال دیگری از من پرسیده نشد!!

ترانه‌های ملی به عنوان یک نماد خصوصاً برای هویت ویتنامی بسیار موثر می‌باشند. تعداد زیادی از نوازندگان یک نوع ساز تک زهی سنتی از من درخواست کردند تا یکی از ترانه‌های ملی آمریکایی را به آنها یاد بدهم تا وقتی عده دیگری از آمریکاییان به ویتنام آمدند، احساس کنند در خانه هستند بنابراین اگر در سفر بعدی خود به ویتنام آهنگهایی همچون «ما باید پیروز شویم» و یا «سیاه برترین رنگ است» را شنیدید زیاد تعجب نکنید!

تعدادی از موسیقی‌شناسان انستیتو تحقیقاتی سایگون که در میان آنها لونات و (Lu Nath Vu) و بانو (Bao) نیز حضور داشتند، تقریباً آهنگسازی اهل شمال کشور بودند که پیش از سال ۱۹۷۵ برای تحقیق به این انستیتو آورده شده بودند سازمان مشابهی در هانوی وجود داشت که خود را مهمتر از انستیتو سایگون می‌دانست. ساختمان این انستیتو به صورت یک بتکده قدیمی بود و در آن تعداد ۴۰۰۰ نوار موسیقی سنتی ضبط شده در آنجا نگهداری می‌شد.



پرستش بت‌های بودا از قبل لین مو (Linh mu) این گروه‌ها به نسل جوانتر موسیقی را آموزش می‌دهند زیرا این نسل به عدم نوآوری خود اذعان پیدا کرده است. معروفترین ستاره شناخته شده در سبکهای چان وان و کاهو، فردی به نام آی هوا (Ai Hou) می‌باشد. خواننده‌ای که از چهل سالگی صدایش تمام جنبه‌های لهجه هیو را ارائه می‌دهد و در میان آهنگ نویسان، هاسائو و تران هان فاب وجود دارند که همگی آنها گوشه‌هایی از تاریخ هیو در نوشته‌هایشان دیده می‌شود. مانند درام هاین تران اثر فاب که داستان یک پرنس بد اقبال قرن ۱۴ است.

اما به جز این گروه‌های غنی، یک گروه استاندارد موسیقی عامه پسند شامل یک خواننده (که رهبر گروه نیز محسوب می‌شود) یک گیتاریست و یک یا دو نوازنده کیبورد‌های الکترونیکی می‌باشد. در مناطق روستایی در جاهایی که نیروی برق در دسترس نیست، این کیبورد‌های پرتابل می‌توانند به راحتی با باتری کار کنند. تمام دگمه‌های ریتمیک این کیبورد‌های که در کشورهای دیگر به ندرت از آنها استفاده می‌شود همچون رومبا و یا تانگو در اینجا به کثرت مورد استفاده قرار می‌گیرند. در کنار گسترش رویکرد به چنین موسیقی، برای اولین بار در تاریخ مدرن ویتنام، چیزی به عنوان فاصله نسل‌ها (Generation Gap) مطرح می‌شود که این مسئله بدلیل پیشرفتهای ظاهری اقتصادی و توسعه ارتباطات بین‌المللی است. نوجوانان اکنون به ابزاری برای سرکشی و طغیان از قبیل سوار شدن بر موتور سیکل‌ها، پوشیدن ژاکتهای U.S.A.T و زدن عینکهای آفتابی و مصرف بی‌رویه مواد مخدر و هزینه کردن مبلغی معادل ۴ ماه دستمزد خود برای دیدن کنسرت‌های برابان آدامز و یا جان دنور متوسل شده‌اند که تمامی این اعمال موجب پرخاش نوجوانان و حتی کودکان در قبال والدینشان می‌شود. اکنون به همراه رشد ناگهانی اقتصادی، تأثیر بیگانگان نیز غیرقابل کنترل می‌باشد و در حالیکه ۲۰۰۰ سال گذشته صرف هجوم مهاجران خارجی شده بود، دو سال گذشته صرف بازگرداندن آنها شده است. قبل از فروپاشی بلوک سوسیالیسم شرق، بازار کالا و فرهنگ مطمئن بود تعداد زیادی از آهنگسازان به بوداپست، صوفیه، لاپیزیک، مسکو، لنین گراد و یا پکن فرستاده می‌شدند و مطمئن بودند به هنگام بازگشت تکنیک‌های مناسب و لازم را یاد گرفته‌اند. بعد از فروپاشی، تعداد کمی توانستند به خارج سفر کنند و اطلاعات اصلی درباره فعالیت‌های فرهنگی کشورهای دیگر به صورت نوارهای قاچاق و معمولاً از طریق مأمورین گمرک تأمین می‌شد.

به هنگام سفر به هانوی، هیو و هوشی مینه توانستم یک مطالعه اجمالی به روی گونه‌های مختلف موسیقی که در این کشور وجود دارد، داشته باشم. این سه شهر دارای مراکزی برای آموزش موسیقی سنتی و کلاسیک غربی بودند. در

بخش‌های زنگ زده هر کدام از نوارها نشان‌دهنده عدم استفاده از آنها در طول دهه‌های گذشته بود. اکنون آنها به عنوان یک ثروت ملی شناخته می‌شدند به دلیل اینکه تمامی سنت‌های گم شده در آنها ذخیره شده بودند. اما تاکنون هیچگونه نسخه‌ای از آنها تکثیر نشده بود به دو دلیل ۱- اگر شخص آنها را در خارج از کشور تکثیر می‌کرد، به پول زیادی دست می‌یافت. ۲- کیفیت تکنیکی آنها در مقایسه با CD های امروزی بسیار نازل بود.

یک روز پس از دوازده ساعت رانندگی از هانوی به کویانگ (Coo Bung) نماینده فرهنگی ایالت کویانگ که در فاصله ۳۰ کیلومتری مرز چین قرار دارد، مرا با خوشرویی به نوازندگان محلی معرفی کرد. او ترتیب جلساتی برای ضبط موسیقی بعضی از خوانندگان مشهور محلی را داد. اتحاد آنها در برابر چینی‌ها (که گاه‌گاه حملاتی را در طول راه‌های کوهستانی انجام می‌دادند و روستائیان را به قتل می‌رساندند) توسط هموایی در چنین آهنگهایی تثبیت می‌شد.

در یک پاسگاه دورافتاده مرزی در نزدیکی کویانگ با هانگ ژوان دائو یک پیرزن ۷۰ ساله از اقلیت ردیائو (Red Yao) ملاقات کردم. او به عنوان آخرین فرد از یک قبیله بود که زبان و ترانه‌های آنها را به یاد می‌آورد و در بعضی از اوقات از او خواسته می‌شد تا در فستیوالهای محلی برنامه اجرا کند و هنگامی که او فوت کند، طبیعتاً سنت این قبیله نیز از بین خواهد رفت. این پیرزن در شهری زندگی می‌کرد که برای رسیدن به آن باید ۲۰ کیلومتر جاده کوهستانی را طی می‌کردم و تمامی آن از سنگ پوشیده شده بود و وانت ما که جک و لاستیک زاپاس نداشت نمی‌توانست به آنجا برسد. بنابراین با کمک اتومبیل تویوتا سازمان ملل که برای یک روز در اختیار ما بود، توانستم به عنوان اولین محقق غربی به آنجا قدم بگذارم. تعداد اندکی ویتنامی از این سبک که سینه به سینه در بین خانواده‌های این منطقه در طول سالها منتقل شده بود، اطلاع داشتند و اکنون این سبک می‌رفت، تا برای همیشه در تاریخ مدفون شود.

اما ماجرا در سایگون کاملاً متفاوت است. موسیقی مورد علاقه خانواده‌های ویتنامی موسیقی پاپ-راک است و این گرایش به دلیل آوازهای عشقی-عاطفی گروه‌های فعال این سبک‌هاست که در اینجا به Misery-pop Yellow Music مشهور است. اگر شما بخواهید صدای هر خواننده این سبک‌ها را در سایگون بشنوید، کافی است که دربار محل اجرای آهنگ توسط این گروه‌ها بنشینید. اما گروه‌های دیگر نیز در سایر ژانرهای موسیقی این فرهنگ غنی و در حال پیشرفت فعال هستند کاهو (Ca Hue) یا آواز به سبک هیو، تائونی هیو (Tuony Hue) یا تئاتر کلاسیک هیو، و چان وان (Chan Van) که همان آهنگهای خلسه آور برای پرستش الهه‌ها در قدیم بوده، به همراه سرودهایی برای

سیستم موجود تقریباً تمامی دانشجویان به عنوان حرفه ای شناخته می شوند و برای هر تمرین و اجرا دستمزد می گیرند. بدون در نظر گرفتن این استعدادهای جوان تنها یک ارکستر ۲۴ ساعته در ویتنام وجود دارد که به Relic معروف است. دانشجویانی که دارای امکانات بهتری هستند از شانس رفتن به خارج از کشور برخوردار هستند و بقیه محکوم به بیکاری می باشند. با در نظر گرفتن شرایط آموزش، استاندارد هنر در مدارس هانوی بالا است. تحت مدیریت ووهانگ و ترونک بانگ دولت در حال ساختن یک سالن کنسرت بتونی برای مدرسه می باشد. دانشجویانی که به نظر نمی رسد در یادگیری پیانو به موفقیتی دست یابند به ساختن آهنگ تشویق می شوند. آنها نیاز دارند تا کاستی تهیه کنند که مقداری از ابتکار آنها را بروز دهد و فاکتورهای ملی نیز در آن وجود داشته باشد. این روش مشابه روش های غربی است که به موسیقی ویتنامی اضافه شده است. مواد حیاتی آن عبارتند از ABA یا تم و فرمهای مختلف، یک سبک هارمونیک که برگرفته از Prokofief, Glinka و یا Saint-Saens است. تمامی اینها با در نظر داشتن ملودیهای ملی و یا سنتی نوشته شده اند و در سال آخر باید یک سمفونی یا یک کنسرت که مشابه آن قبلاً اجرا نشده، اجرا گردد.

پیشرفته ترین مربی آهنگساز ترانگ هانگ، ترتیبی داده است تا دانشجویان به مسیان (Messiane)، استاک هاوزن (Stockhausen) و موریس اوهانا (Maruice) - از طریق نوارهایی که از پاریس فرستاده می شوند - گوش فرادهند. این موسیقی کم و بیش امروزی از غرب موجب شد، تا برخی دانشجویان تکنیک های مختلفی را



آزمایش کنند اما تا وقتی که اجرا کنندگان و دیگران به محافل جهانی معرفی نشوند، این موسیقی به صورت ایزوله و بدون شوق باقی می ماند. دپارتمان موسیقی سنتی در هانوی تأثیر چشمگیری روی جهت گیری فرهنگ موسیقی دارد. در حالیکه حفظ موسیقی سنتی برای نسلهای آتی با موفقیت انجام شده، هنوز الگوبرداری از تکنیک های کشورهای بلوک شرق و ملودیهای مناسب و تبدیل آنها به اشکال ساده برای نیل به هدف اصلی به چشم نمی خورد. و موسیقی که بطور شفاهی درون خانواده ها جریان داشت، به شیوه غربی مستندسازی شده است. این ترانه های ملی مدرن شده به عنوان نسخه ای از موسیقی سنتی در رادیو و تلویزیون و سالن هتل ها در سراسر کشور اجرا می شود. یکی از دوستان من که از بالامی تات دیدن می کرد از اجرا کنندگان موسیقی محلی درباره چگونگی معرفی موسیقی شان سؤال کرد. در ابتدا همه آنها از اینکه موسیقی آنها به شهر راه یافته است اظهار خشنودی می کردند ولی در خفا از عدم توجه مردم شهر به این نوع موسیقی ناخرسند بودند. آنها شش برادر از یک خانواده بودند که بوسیله داگ لوی رهبری می شدند و گروهی طبال به نام فودانگ (نام بچه ای افسانه ای که بسیار ضعیف بود و هنگامی که می شنود کشورش مورد هجوم چینیان قرار گرفته است شروع به رشد می کرد و دشمنان را از کشور بیرون می راند). آنها در هانوی به تحصیل پرداخته اند اما اکثر وقت خود را صرف یادگیری سازهایی کرده اند که توسط اقلیت های خاص استفاده می شده. آنها برای ۱۵ سال گذشته باهم به اجرای موسیقی پرداخته و سبک جدیدی از موسیقی را بوجود آورده اند که مقداری از آن متعلق به موسیقی سنتی می باشد و بقیه آن یک مجموعه فشرده و ناآشنا از نی بادی H'Mong، ناقوس های برنزی B.DB می باشد. آنها بیش از دیگر نوازندگان مدرن ملی، روش ترکیبی مخصوص به خود را دارا می باشند.

اخیراً در هانوی تلاش های فراوانی در جهت کاربرد تکنیک های ویتنامی به روی ملودیهای غربی و برعکس، بکارگیری تکنیک های غربی (همچون هارمونی و فرم های استاندارد) به روی ملودیهای فولک ویتنامی انجام گرفته است. در همین راستا تان هاین یک موسیقی شناس جوان، تحلیلی از قوانین بداهه نوازی را تنظیم نموده و آنها را به دانشجویان آهنگسازی داده تا برای تطبیق بر روی آلات غیر سنتی بکارگیری شود.

به هر صورت، حتی با وجود تلالو دلار در چشمان مردم ویتنام، یک روح مثبت در تمامی فعالیتهای فرهنگی این کشور به چشم می خورد و با رشد اقتصادی حدود ۸ درصد، هنردوستان در تلاش هستند تا بین موسیقی، پول و ایده هایشان توازنی را به وجود آورند و به نوآوری هایشان ادامه دهند. امری که بی شک در آن موفق هستند و خواهند بود.